



امام حسین (ع) فرمود: «گروهی خداوند را به خاطر دوست داشتن پرستیدند. این پرستش تاجران است و گروهی خداوند را به خاطر ترس از او پرستیدند. این پرستش بندگان می باشد و گروهی خداوند را به خاطر تشکر پرستیدند. این پرستش آزادگان می باشد و این برترین پرستش می باشد.»
تحف العقول النص ص ۲۴۶

حُسَيْنٌ مِنْدٌ وَاَنَا مِنْ جُسَيْنٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاِمْنَةَ وَالْمَهْدِیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا

قال رسول الله (ص): «حسین منی وأنا من حسین» رسول الله (ص) فرمود: «حسین از من است و من از حسین هستم.» (بحار الأنوار: ج ۴۳ ص ۲۶۱)

حسین (ع) در همه عالم ها از رسول الله (ص) می باشد و پایین تر از رسول الله می باشد. این مسئله قابل تأکیدی می باشد. ولی فردی که کار رسول الله (ص) و فضل و جایگاه بالا و حقش را آشکار می نماید و آن را به مردم زمین می شناساند، امام مهدی (ع) می باشد. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدُّنْيَا كُلِّهَا» «او خداوندی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاده است که آن را بر همه دین ها برتری دهد.» (توبه ۳۳)

دین اسلامی اصیل محمدی، به واسطه امام مهدی (ع) در زمین آشکار می شود و امام مهدی (ع) جزو فرزندان حسین (ع) می باشد و اصل و وجه تمرکز حقیقی انقلاب امام مهدی (ع) همان انقلاب حسین (ع) می باشد. به واسطه امام مهدی (ع) می باشد که این آیه محقق می شود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدُّنْيَا كُلِّهَا» «آن را بر همه دین ها برتری دهد.» و مردم زمین، محمد (ص) و شأن و جایگاه بالایش را می شناسند. امام مهدی (ع) میوه ای از میوه های حسین (ع) می باشد. انقلاب اصلاحی جهانی امام مهدی (ع) میوه حقیقی است که انقلاب حسین (ع) آن را به وجود آورده است. به واسطه حسین (ع) می باشد که اسلام باقی ماند و محمد (ص) باقی ماند و با حسین، اسلام آشکار شد و محمد (ص) آشکار شد و با حسین است که اسلام شناخته شد و محمد (ص) شناخته شد.

وصیت رسول خدا (ص) در شب وفات



امام صادق ع از پدرانش... از امیرالمومنین علی ع خبر داد که رسول الله (ص) در شب وفاتش به امام علی (ع) فرمود: "ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور. رسول الله ص وصیتش را به امام علی ع املاء نمود تا به جایی رسید که فرمود: یا علی بعد از من دوازده امام است و بعد از آن ها دوازده مهدی خواهد بود... تا به فرزندش (م ح م د) مستحفظ از آل محمد واگذار نماید. آن ها دوازده امام هستند و پس از آن ها دوازده مهدی خواهند بود، پس(هرگاه وفاتش رسید، وصیت و جانشینی) را به فرزندش که نخستین نزدیکان است، تسلیم می نماید. او سه نام دارد. نامی مانند نام من و نام پدرم و آن عبد الله واحمد واسم سوم مهدی است و او اولین مؤمنین است"
(ترجمه کتاب غیبت شیخ طوسی: ص ۳۰۰ ح ۱۱۱)

نسب سید احمد الحسن (ع)

سید احمدالحسن فرزند سید اسماعیل فرزند سید صالح فرزند سید حسین فرزند سید سلمان فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام می باشد. سید احمد الحسن، وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام می باشد که برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله ص بشارت تولد ایشان را دادند. و فرستاده ای از سوی حضرت عیسی ع و حضرت ایلیا ع برای مسیحیان و یهودیان می باشد. ایشان دعوت الهی خود را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام در سال ۱۹۹۹ میلادی در نجف اشرف پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی علیه السلام همچون دعوت رسول الله ص به همه جهان انتشار یافت. ایشان برای اثبات حقانیت خود به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود: ۱) نص الهی: یعنی وصیت شب وفات رسول الله ص را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است و ۲) علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده اند و با آن همه علمای ادیان را به تحدی فرا خوانده و ۳) پرچم البیعه لله (دعوت به حاکمیت خدا)

سردبیر

امام حسین (ع) وجدان بیدار امت

نام حسین با نام محمد قرین گشته است و اسلام محمدی بقای آن حسینی است. حسینی که یادگار او عاشور تابلویی ماندگار برای بشریت به یادگار نهاد که ارزش های انسانی در متن آن به زیبایی به نمایش درآمد. این حادثه به بهترین شکل، قابلیت انسان را در گرفتار آمدن به درجه نهایت سقوط و استعداد او را در اوج گرفتن به درجه رفیع صعود، برای همه آیندگان نمایاند. ولادت او بشارت و نویدی برای امت بود که آن را از سقوط در تباهی دنیا و لذات پایین به اوج عزت و سربلندی آزادگی بود. حسین از آن دسته از انسان هاست که روح خود را در اتصال به خدا وسعت بخشید، نه از آنان که در غیاب خدا تنها و تنها به فریه ساختن جسم خود مشغولند. باید حیات را هم افق با حسین (ع) تفسیر کرد.

ما نیز می توانیم به سعادت دست یابیم و در همسایگی خدا مسکن گزینیم و عالم را بی حضور خدا نبینیم. ما نیز می توانیم تنها مخاطب خود را خدا بدانیم. وقتی شما آهی از اعماق دل می کشید که ای حسین کاش ما هم با شما بودیم، این حال دلالت می کند بر این که ارواح آدمیان در عالی ترین اوج، تسلیم آن مرد هستند. او روح ها را مالک است. اگر دیگران اجسام ما را مالک هستند، او وجدان آزاد ما را در اختیار دارد؛ اما در تاریخ ها، شمشیرها کالبد ناخودآگاه انسان ها را در اختیار دارند. حال، پیروزی از آن کیست؟ آیا از آن کسی است که وجدان آزاد انسان ها را در اختیار دارد یا کالبد مجبور آن ها را؟ امام حسین را کالبد زمان در خود جای نمی تواند بگیرد او فراتر از زمین و زمان است او حسین همه اعصار و قرون است چون هر چه را داشت در طبق اخلاص تقدیم خدا کرد و در مقابل خداوند قلبهای آدمیان را بدو بخشید. او روح ایمان محمدی است که ماندگاری اسلام در گروه نهضت مهدوی است که امتداد نهضت عاشوراست.

قال السجاده (ع):

«مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا.»

امام سجاده (ع) فرمود:

«فردی که نفسش برایش با کرامت باشد، دنیا برایش پست می شود.»

تحف العقول النص ص ۲۷۸



اُمّت، وامدارِ ایثار حقیقی حسین است!

چرا حسین ع کودکش -عبدالله رضیع (ع)- را به سوی لشکر یازید -خداوند او را لعنت کند- برد تا برایش آب درخواست نماید؟ آیا ایشان ع می دانست که آنان، ایشان را به زودی می کشند؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الامنة و المهديين. حسین (ع) (کودک) شیرخواره اش را بیرون آورد تا برایش درخواست آب نماید و می دانست که کشته می شود.

بدان که برای باطل جولانی است و برای حق دولتی است. و به این خاطر که جولان باطل به پایان برسد، باید سربازان شیطان -خداوند او را لعنت کند- در هر آتش تاریکی وارد شوند و باید هر چه را در اختیار دارند، به کار ببرند و درحالی که آنان در نبرد با سربازان خداوند هستند.

بدان که مصیبت حسین (ع) بسیار و بسیاری از ستم ستمکاران را از شما کم کرده است و شما توان به دوش کشیدن آن را نداشتید؛ تا به خشنودی خداوند سبحان برسید و شما را وارد بهشت هایی نماید که نهرهایی از زیر آن در جریان می باشد.

حسین (ع) با خون شریف پاکش، فدای خون شما شده است و با بهترین زنان جهانیان از اول و آخری ها -بعد از مادرش فاطمه (ع)- فدای زنان شما و آبرویتان شده است. ایشان همان زینب (ع) است و (کودک) شیرخواره اش فدای فرزندان شما شده است.

امام مهدی (ع) و من -که بنده فقیر مسکین هستم- به واسطه فضل حسین (ع) و دین حسین (ع) از تمام آفریدگان خداوند، گردن هایمان سنگین شده است و پشت مرا سنگین کرده است و من نیز توانایی جبران آن را ندارم. مگر اینکه خداوند از جانب من آن را جبران نماید.

بدان که وقتی امام مهدی (ع) به حسین ع می گوید: «لا یکنک بدل الذموم دما» «به جای اشک ها، برایت خون گریه می کنم.» این مسئله را به صورت حقیقی می گوید و از جهت مبالغه نیست. آن به این خاطر است که حسین (ع) با خون شریفش و جان پاکش، فدای قضیه امام مهدی (ع) شده است. ایشان خودش را فدای قضیه امام مهدی (ع) نموده است. ایشان ذبیح (قربانی) الله می باشد. یعنی همان طور که شما خانه ای بنا می کنی و برایش قوچی برایش فدا می کنی. همچنین خداوند سبحان و متعال وقتی عرش و آسمان ها و زمینش را آفرید، حسین (ع) را فدای آن قرار داد.

قضیه امام مهدی (ع) همان قضیه خداوند و پایان انذار الهی است. همان قضیه عرش خداوند سبحان و مُلک و حاکمیت ایشان در زمین می باشد. خداوند متعال فرمود: «وَ فِدْيَانَهُ يَذِبحُ عَظِيمًا» «ذبحی بزرگ را فدای او نمودیم.» یعنی با حسین (ع) و فردی که فدای او شده است، امام مهدی (ع) است. درود بر ذبیح سلام و حق و عدل.

بدان که علی اکبر (ع) ذبیح اسلام است. همان طور که حسین (ع) ذبیح الله است. والحمد لله وحده.



امام حسین (ع) و فتح عظیم

سخن حسین (ع) به چه معناست: «من لحقنی استشهد ومن لم یلحقنی لم یدرک الفتح» هر فردی که به من ملحق شود، به شهادت می‌رسد و هر فردی که به من ملحق نشود، فتح را درک نمی‌کند. (مختصر بصائر الدرجات: ص ۶)

پاسخ: اولاً نزد ما سه کلمه وجود دارد که شایسته است، معنایش را بدانیم: ملحق شدن و شهادت و فتح و گشایش. زمانی که آن را شناختیم، می‌فهمیم که حسین (ع) از سخن زیبایش چه معنایی را قصد کرده است.

ملحق شدن: منظور متصل شدن به چیزی است یا رسیدن به آن و همراهی با آن می‌باشد. البته زمانی که فردی که به او رسیده یا دنباله روی شده است، انسان باشد. در این حالت این انسانی که از او دنباله روی شده است، یا امام هدایت است و یا امام گمراهی. فردی که از امام پیشی می‌گیرد یا عقب می‌ماند، ملحق شونده به امام (ع) شمرده نمی‌شود. فردی که با امام همراهی می‌کند، ملحق شونده است؛ ولی به حسب دقت همراهی‌اش. فردی که شایستگی دارد که در تمام تفصیلات با امام موافقت نماید، مانند فردی نیست که به صورت اجمالی با امام همراهی می‌کند.

شهادت: معنای عرفی از آن در بین مردم، همان کشتن در راه خداوند است. اصل در معنای آن، خبر دادن از حقیقت - یا سخن یا کار - می‌باشد. از جمله آن است، خبر دادن اینکه «لا اله الا الله». ولی این فرد (از غیر خودش) جداست به این صورت که با خودش شهادت داده است: «لا اله الا الله». این بزرگ ترین شهادت و با کرامت ترین راه می‌باشد. به همین خاطر این لفظ - یعنی شهید - به این مصداق به صورت تقریباً کلی بازمی‌گردد. یعنی فردی که در میدان نبرد برای بالا بردن کلمه خداوند کشته می‌شود.

با اینکه هر فردی که در روز قیامت جایگاهی دارد و نسبت به امت یا جماعتی شهادت می‌دهد، او جزو شهیدان می‌باشد؛ مانند امامان (ع) و پیامبران و فرستادگان (ع) و زهراء (ع) و زینب (ع) و مریم (ع) و نرجس (ع) و وهب نصرانی و خالد بن سعید بن عاص اموی و هر کدام به اندازه خودش. فی المحاسن عن ابان بن تغلب، قال: کان أبو عبد الله (ع) إذا ذکر هؤلاء الذین یقتلون فی النغور یقول: «ولهم ما یصنعون بهذا فیحجلون قتلہ الدنیا و قتلہ الآخرة، والله ما الشهداء إلا شیعتنا وان ماتوا علی فرأهم».

ابان بن تغلب می‌گوید: زمانی که نزد امام صادق (ع) این افرادی که در مرزها کشته می‌شدند یاد می‌شد، ایشان می‌فرمود: «وای بر آنان! با این کار می‌خواهند چه کنند؟ از کشتگان دنیا و کشتگان آخرت پیشی می‌گیرند. به خدا قسم! شهیدان فقط شیعیان ما هستند، هر چند در بسترشان بمیرند.» المحاسن للبرقی: ج ۱ ص ۱۶۴

وفی العیاشی: عن منہال القصاب، قال: قلت لأبی عبد الله (ع): ادع الله أن یرزقنی الشهادة، فقال: «المؤمن شهید، ثم تلا قوله تعالی: أولئک هم الصّدیقون والشّهداء»

منهال قصاب می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: از خداوند بخواه که شهادت را روزی‌ام گرداند. ایشان فرمود: «مومن شهید است. سپس سخن خداوند متعال را خواندند: آنان همان راستگویان و شهیدان هستند.» بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۳۸

عن الباقر (ع) قال: «العارف منکم هذا الأمر المنتظر الخیر کمّن جاهد والله مع قائم آل محمد ع بسیفه، ثم قال: بل والله کمّن جاهد مع رسول الله بسیفه، ثم قال: بل والله کمّن استشهد مع رسول الله (ص) وفی فسطاطه، وفیکم قوله تعالی: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصّٰدِقُونَ وَالشّٰهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» ثم قال: صرتم والله صادقین شهداء عند ربکم».

امام باقر (ع) فرمود: «فردی از شما که این امر را شناخته باشد و منتظر خوبی باشد، به خدا قسم! مانند فردی است که با رسول الله (ص) به شهادت رسیده است؛ درحالی که ایشان در چادر خود می‌باشد. سخن خداوند متعال در مورد شماس: «فردی که به خداوند و فرستادگانش ایمان می‌آورد، آنان همان راستگویان و شهیدان نزد پروردگارش هستند. پاداش و نورشان برای آنان است. افرادی که کفر بورزند و آیات خداوند را تکذیب نمایند، آنان همان یاران جهنم هستند.» سپس فرمود: به خدا قسم! شما راستگویان و شهیدان نزد پروردگارتان شدید. (بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۳۹) فتح و گشایش: همان از بین بردن مانع در هنگام ورود به چیزی است یا نگاه به آن یا در آن.



فردی که در راه خداوند کشته می‌شود، گواه و شاهد بر امتی است که اقدام به کشتن او را داشتند یا از کشتن او خشنود شدند و اینکه با شخصیت یا جسد مقدسش تصفیه حساب کند.

منظور ایشان از فتح و گشایش همان فتح در عالم های بالایی است. در نتیجه منظور همان شناخت حقیقت هاست و در نهایت فتح مبین (گشایش آشکار) می‌باشد و شناخت خداوند سبحان و متعال و هر فردی به حسب خودش می‌باشد.

هر فردی به حسین ملحق نشود و روش حسین را پی نگیرد و از حسین زمانش دنباله روی نکند، به شهادت نمی‌رسد. یعنی: در راه خداوند کشته نشده است و شاهد و گواه به حق نمی‌باشد. سپس فتح را درک نمی‌کند. یعنی: فتح را نمی‌شناسد و فتح را نمی‌فهمد و به چیزی از فتح دست پیدا نمی‌کند. از کجا بتواند نور را بشناسد، درحالی که او موشی است که فقط تاریکی و سوراخ هایی را می‌شناسد که در آن زندگی می‌کند.

فردی که به حسین (ع) ملحق شود، قطعاً به شهادت می‌رسد و چیزی از فتح را درک می‌کند؛ به حسب جایگاهش و ملازم بودن با حسین ع. یعنی فتح را با قائم (ع) درک می‌کند.

در پایان: حسین حق و کلمه و شمشیر و مبدأ باقی است که تا باقی ماندن آسمان ها و زمین باقی می‌ماند. هر فردی که با حقی که حسین (ع) به آن دعوت کند، مخالفت نماید و از کلمه حسین (ع) روی گردان شود: «هل من ناصر ینصرنا؟» «آیا یاری کننده ای ما را یاری می‌کند؟» و شمشیر را با حسین (ع) به دوش نگیرد و افکارش را بر اساس مبدأ حسین (ع) پای ریزی نکند، حسین را خوار نموده است؛ هر چند در ظاهر برای حسین گریه کند. گروهی که با حسین جنگیدند، افرادی بودند که محمد رسول الله (ص) را دوست داشتند و برای مصیبت او گریه می‌کردند. لعنت خداوند بر گروه ستمکاران. آنان چیزی از فتح را درک نکردند؛ به این خاطر که به حسین (ع) هیچ وقت ملحق نشدند.

می‌خواهد با چشم باشد و با چشم دیده شود یا با بصیرت باشد و برای قلب کشف شود. وفی القمی عن الصادق (ع) فی قوله تعالی: «تَضَرُّ مِنْ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» قال: «یعنی فی الدنیا بفتح القائم (ع)»

امام صادق (ع) در مورد سخن خداوند متعال: «یاری از سوی خداوند است و فتح و گشایش نزدیک است.» فرمود: «یعنی در دنیا با فتح و گشایش قائم (ع) تفسیر القمی: ج ۲ ص ۳۶۶ شکی نیست که فتح قائم (ع) با فتح و گشایش همه سرزمین هاست و اینکه دین خالص در آن اقامه شود و کلمه: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» بالا برده شود. همچنین با فتح در عالم های ملکوتی و کشف آن برای بیشتر مومنین با قائم (ع).

بنابراین حسین (ع) منظورش از «من لحقه» «فردی که به او ملحق شود» یعنی اینکه فردی که با روش و مبدأ حسین رفتار نماید. همان طور که برای هر زمانی، حسینی است. هر فردی که به حسین زمانش ملحق شود، به حسین (ع) ملحق می‌شود. هر فردی که از امام زمانش سرپیچی نماید، از حسین (ع) سرپیچی نموده است. همچنین ملحق شدن به حسین (ع) درجه هایی دارد که بالاترین آن، همراهی با مبدأ حسین و روش حسین می‌باشد و متصل شدن به حسین زمانی است که مومن در آن زندگی می‌کند. در صلوات شعبانیه است: «المتقدم لهم مارق، والمتأخر عنهم زاهق، وللازم لهم لاحق» «فردی که از آنان پیشی بگیرد، از بین می‌رود و فردی که از آنان عقب بماند، نابود می‌شود. و فردی که ملازم آنان است، ملحق می‌شود.»

منظور ایشان از شهادت، کشته شدن در راه خداوند است. می‌خواهد با جسد باشد یا شخصیت کشته شود. کشته شدن شخصیت، بزرگ تر از کشتن جسد است. همیشه افرادی که با حق می‌ایستند، دچار از بین رفتن شخصیت هایشان در جامعه می‌شوند؛ با سخن باطل و افتراء و دروغ و بهتان که از سوی دشمنان پیامبران و فرستادگان (ع) می‌باشد؛ مانند علمای بی عمل و دنباله روی های آنان که سخنی را که نمی‌فهمند، بیان می‌کنند. بلکه هر فردی که از دعوت به حق و عدل و راستی و اقامه حد و حدود خداوند و سخنانش زبان می‌بندد.



گفتش ترسیم کن تصویری از روی حسین (ع) گفت این یک را نباید خالق یکتا کشید...

ای مردم!

حسین (ع) می‌خواست ما را حسینی کند. او تشنه آب نبود، تشنه لبیک بود.

از بهشت که بیرون آمد، دارایی‌اش فقط یک سیب بود. سببی که به وسوسه آن را چیده بود و مکافات این وسوسه هیبوط بود. فرشته ها گفتند: تو بی بهشت می‌میری. زمین جای تو نیست. زمین همه ظلم است و فساد. و انسان گفت: اما من به خودم ظلم کرده ام... زمین تاوان ظلم من است. اگر خدا چنین می‌خواهد، پس زمین از بهشت بهتر است. خدا گفت: برو و بدان جاده‌ای که تو را دوباره به بهشت می‌رساند، از زمین می‌گذرد، از زمینی آکنده از شر و خیر، از حق و از باطل، از خطا و از صواب؛ و اگر خیر و حق و صواب پیروز شد، تو بازخواهی گشت و گرنه...!!!!

و فرشته ها هم گریستند. اما انسان نرفت. انسان نمی‌توانست برود... انسان بر درگاه بهشت وامانده بود.

می‌ترسید و مردد بود. و آن وقت خدا چیزی به انسان داد. چیزی که هستی را مهیوت کرد و کائنات را به غیبه واداشت. انسان دست هایش را گشود و خدا به او «اختیار» داد. خدا گفت: حال انتخاب کن. زیرا که تو برای انتخاب کردن آفریده شدی. برو و بهترین را برگزین که بهشت پاداش به گزیدن توست. عقل دول و هزاران پیامبر نیز باتو خواهد آمد تا تو بهترین را برگزینی. و آنگاه انسان زمین را انتخاب کرد. رنج و نبرد و صوری را. و این آغاز انسان بود. آری و اگر بخوای دوباره به بهشت بازگردی، باید سوار کشتی نجات شوی. «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه»

امام حسین (ع) و معجزات

حسین در روز عاشورا چه کاری انجام داد تا ثابت نماید که ایشان امامی معصوم است که بر مردم، اطاعت از ایشان واجب است و جنگ با ایشان حرام است؟ یا پرسش این گونه باشد: اگر حسین ریش شمر بن ذی الجوشن را در روز عاشورا به (رنگ) سیاه تبدیل می‌کرد، چه می‌شد؟ آیا شمر -در آن هنگام- جزو لشکر یزید می‌شد یا خودش را مجبور می‌دید که با حسین -علیه السلام- باشد و سر این سعد را ببرد؟ به خدا قسم! این حقیقت خوار کننده ای است که عین تاریخ تکرار می‌شود؛ قدم به قدم و مو به مو. مردم نیز حقیقت را نمی‌فهمند و برای آنان این امکان نمی‌باشد که بین محمد -درود خداوند بر ایشان و خاندانش- و ابوسفیان و بین علی -علیه السلام- و معاویه و حسین -علیه السلام- و یزید تمایز قائل شوند. واقعا مصیبت است که مردم به این درجه رسیدند که انگار ما با اجساد خاموشی سخن می‌گوییم که نه می‌شنوند و نه درک می‌کنند و نه می‌فهمند.

حسین در کربلاء چه چیزی عرضه نمود تا ثابت کند که ایشان خلیفه خداوند در زمین می‌باشد؟ آیا این پرسش را از خودتان پرسیدید؛ پیش از اینکه از علمای گمراهی، کورگورانه و بدون دقت و فکر دنباله روی نمایید؟

حسین -علیه السلام- در کربلاء چه چیزی عرضه نمود؟ وصیت رسول الله -درود خداوند بر ایشان و خاندانش- به پدرش و برادرش و به خودش و به فرزندان -درود خداوند بر آنان- را عرضه نمود و علم و شناخت خود را عرضه نمود و پرچم «البیعه لله» را عرضه نمود که در به دوش کشیدن آن -در برخورد با پرچم «حاکمیت مردم»- تک و تنها بود؛ پرچمی که جبهه مقابل ایشان آن را به دوش کشیده بود که جد و پدر و برادر ایشان -درود خداوند بر آنان- با آن، برخورد نموده بودند.

حسین در کربلاء چه چیزی عرضه نمود؟ رویاهای اهل بیت و یاران و مکاشفه های آنان را عرضه نمود. رویای وهب نصرانی را عرضه نمود؛ زمانی که که او عیسی -علیه السلام- را دید که او را به دنباله روی و یاری حسین -علیه السلام- تشویق می‌کند. مکاشفه خُر ریاحی را عرضه نمود؛ زمانی که -هنگام بیرون رفتن از کوفه- (صدای) صدازنده ای را شنید که او را به بهشت بشارت می‌دهد.

ای مردم! امروز با چه چیزی نزد شما آمده ایم؟ آیا با بدعت، نزد شما آمدیم که پیامبران و اوصیاء و محمد رسول الله -درود خداوند بر ایشان و خاندانش- و علی -علیه السلام- و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین -علیه السلام- با آن نزد شما نیامده اند؟ «مَا كُنْتُ بَدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ» «بگو: من در میان فرستادگان، جدید و بدعت نیستم.» (احقاف: ۹)

دموزی یا حسین (ع) سربریده نهر فرات

پیام فیس بوک د. عادل عبدالله سعیدی

(بسم الله الرحمن الرحيم السلام على المهدي والمهديين)

دموزی یا حسین (ع) سربریده نهر فرات

سرزمین سومر و آکاد بر دموزی گریه کردند والان بر حسین (ع) گریه می کنند. «۱»
یادبود روزهای جاودان که حسین (ع) کنار نهر فرات سربریده شد!
کتاب مقدس با سطرهایی از نور، قضیه نهر فرات را می نگارد و قبل از آن، آواج سومری پیشگویی هایی در مورد سربریده نهر فرات ذکر نموده است. فردی که گردن ها برایش خم شد و دل های سرگردان برایش ذوب شد؛ به خاطر شوق و حزن بر مصیبت های او. این پیشگویی ها در بین الواح سومری ادامه داشت و از این شخصیت جاودان به دموزی ابن صالح (فرزندشایسته) تعبیر شده است و حقیقتاً سرزمین بابل به عنوان مهد تمدن ها متمایز بوده است و برای شهرهای بین النهرین شرفی است که این شخصیت را ذکر کند؛ فردی که نامش در تاریخ پخش شده است و الان درکش را پنهان کرده است. دموزی ابن صالح پادشاه بابلی نیست که شیاطین انسانی و جنی برای او برانگیخته شد. بلکه او پیشگویی حاضری است که بابلی ها و نسل ها و مردم مابعدشان برای او گریه کردند و شکل او در همه محافل سومری و بابلی تمثیل شده است. پیامبران از آدم تا رسول الله (ص) بر او گریه کردند و پیشگویی ها در مورد مکان کشته شدن و سربریدنش بود و اینکه خویش نزدیک نهر فرات جاری می شود و خویش فوران دارد تازمانی که قائم آل محمد (ص) بیاید تا خون خواهی او را نماید؛ هر چند زمان طولانی شده باشد. چون وعده خداوند حق است.

می بینیم که پیامبر خدا ارمیا در مورد فرد سربریده در کنار نهر فرات سخن می گوید و از فردی که خون خواه اوست -رب الجنود(پروردگار سربازان)-

«کلمه پروردگار که از امت ها به ارمیا پیامبر روانه شد... امروز برای سید رب الجنود است و روز عذاب و انتقام از مبغضین اوست، شمشیر می خورد و از خون آنان سیراب می شود. چون برای سید رب الجنود سربریده ای کنار نهر فرات است.»

می بینیم عیسی (ع) در انجیل با ما سخن می گوید: خون خواه این سربریده از سوی مشرق می آید. و می بینیم که رسول الله (ص) گریه می کند و محل سربریدن شریف او را می بوسد و ابلیس او و یارانش کنار نهر فرات سر می برد.

«ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يُسرف في القتل إنه كان منصوراً» سوره اسراء: ۳۳

«و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم، پس (او) نباید در قتل زیاده روی کند، زیرا او (از طرف شرع) یاری شده است.»

فی تفسیر العیاشی عن سلام بن المستنیر، عن ابي جعفر عليه السلام في قوله: «ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يُسرف في القتل إنه كان منصوراً»، قال: «هو الحسين بن علي عليه السلام، قتل مظلوماً ونحن أولياؤه، والقائم منا إذا قام طلب بئار الحسين عليه السلام، فيقتل حتى يقال: قد أسرف في القتل، وقال: المقتول الحسين، ووليه القائم، والإسراف في القتل أن يقتل غير قائمه، إنه كان منصوراً» فإنه لا يذهب من الدنيا حتى ينتصر برجل من آل رسول الله عليهم الصلاة والسلام، ميملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً» تفسیر عیاشی: ۲ / ۲۹۰، بحار الأنوار: ۴۴ / ۲۱۸

باب ۲۸ ح ۷
امام باقر (ع) در مورد سخن خداوند «و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی

قدرتی داده ایم، پس (او) نباید در قتل زیاده روی کند، زیرا او (از طرف شرع) یاری شده است.» می فرماید: «او حسین بن علی (ع) است، ستم دیده کشته شد و ما اولیای او هستیم و قائم ما زمانی که قیام کند، خون خواهی حسین (ع) می کند، می کشد تا جایی که گفته می شود؛ در کشتن زیاد روی کرده است. و فرمود: کشته شده حسین است و ولی او قائم است و زیاده روی در کشتن این است که فردی غیر از قاتلش را می کشد «زیرا او یاری شده است.» ایشان از دنیا نمی رود؛ تا اینکه با مردی از آل محمد (ع) یاری شود. زمین را بر از عدل و داد می کند، همان طور که از جور و ستم پر شده است» و فی الکافی عن علی بن محمد، عن صالح بن ابي حماد، عن الحجال، عن بعض أصحابه، عن ابي عبد الله عليه السلام، قال: سألته عن قول الله عز وجل: «ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يُسرف في القتل» قال: «نزلت في الحسين عليه السلام» لو قتل أهل الأرض به ما كان سرفاً» روضه کافی: ۲۵۵، بحار الأنوار: ۴۴ / ۲۱۹ باب ۲۸ ح ۱۰

حجال از برخی یارانش نقل می کند و می گوید: از امام صادق (ع) در مورد سخن خداوند عزوجل «و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم، پس (او) نباید در قتل زیاده روی کند.» پرسیدم، ایشان فرمود: «در مورد حسین (ع) فرستاده شد. اگر همه مردم زمین را به خاطر او بکشند، زیاده روی نکرده است.»

دموزی یا حسین (ع) سربریده نهر فرات است. ای قبله خداوند و قبله حاجی ها، برای یادآوری تو خود را آماده می کنیم «واذن بالناس بالحدج ياتوك» «در میان مردم به حج ندانده تا به سوی آیند.» ای قبله خداوند، به سوی تو می آیند.

حاشیه: : کتاب توهم الحد ثنانه های پروردگار در جهان ص ۳۵۶ احمد الحسن (ع) https://www.youtube.com/watch?v=۶۲gEK_VOLWM

بازگشت فطرس

تولد امام حسین (ع) باب رحمت عظیم دیگری، برای بندگان در احیاء کلمه توحید و سیر دعوت به حاکمیت الله در دوران تاریک ظلم بر زمین می باشد. فطرس فرشته ای بود که به خاطر سهل انگاری در امر پروردگارش به جزیره ای تبعید شد و قرن ها در آن تبعید بود و بال شکسته او مانع از پرواز او می شد و با تولد امام حسین (ع) و توسل به ایشان خداوند سبحان گناه او را بخشید و پرواز کرد. تولد امام حسین (ع) برای دوست داران محمد و آل محمد (ع) از مهم ترین روزهایی است که به قصد شفاعت امام حسین (ع) با دلی سرشار از امید به خانه های آل محمد (ع) رجوع می کنند.

فطرس فرشته ای نبود که به تقاضای بهشت به حسین (ع) توسل کند؛ بلکه درمان بالمش، درمان معرفتی بود که در کوتاهی در سیر حاکمیت الله از دست داده بود و خواستار یاری پرچم حسین (ع) یکی از یمانیان بود، فطرس درب و کلید درب را بدست آورد.

و از رسول الله (ص) روایت شده است: «یمانی باب من ابواب الجنة لم يغلغه الله منذ فتحه.» «یمانی دربی از درب های بهشت است که خداوند از زمانی که آن را باز نموده است، نبسته است.»

یاران حسین (ع) به خاطر امری از خدای سبحان شهید شدند و بال گشودند که فطرس نیز به خاطر آن بال کشید و پرواز کرد. این روز در مکتب اهل بیت عصمت و طهارت، روز التیام و احیاء حرکت حسین (ع) می باشد و در دعای امام حسن عسکری (ع) برای چنین روزی آمده است:

«...و الشفاء في ثوبته و الفوز معه في اوثبه و الاوصياء من عترته بعد قائمهم و غيبته حتى يدركوا الاوتار و يتأزوا التار و يرضوا الجبار و يكونوا خير انصار صلى الله عليهم...» «و شفاعت در تربت اوست و پیروزی عظیم نیز با اوست در بازگشتش و اوصیاء بعد از قائم آن ها و غیبتش نیز از عترت و فرزندان او هستند تا خون خواهان و انتقام گیرندگان برای او باشند تا خداوند جبار راضی شود و آنان بهترین انصار (ع) او باشند.»

برای محققین سید احمد الحسن (ع)، یمانی موعود وصی و فرستاده امام مهدی (ع) و تنها دعوت کننده به حق برای ظهور امام مهدی (ع)، تولد امام حسین (ع) درب فیض عظیمی می باشد که می تواند با توسل به ایشان و یادآوری سیر زندگی و هدف ایشان، با اصلاح نیت خویش خواستار پاسخ قلبی خویش از جانب خداوند سبحان گردند؛ چرا که فطرس به ما موعظ شفاعت امام حسین (ع) همراه است با اذعان به تقصیر و اظهار ندامت و خارج شدن از پرده های ظلمت منیت در مقابل خداوند سبحان و تعالی و غسل از حجاب ها برای پرواز و آمادگی برای حمل پرچم البیعه الله که در ایام ما سید احمد الحسن (ع) یمانی موعود پرچم دارش می باشد.

استغفار فطرس به اشتباهش و توسل به امام حسین (ع) و بخشایش او مفاهیم مرتبطی با قیام یمانی موعود دارد و در این امت نیز وجود دارد و این گناه مشابه همان نقص و گناه حاملان پرچم های سیاه در آخرالزمان است و آنان قائم (ع) را یاری می دهند که به بخشی از آن کتاب احمد موعود پیوند دهنده رسالات آسمانی و کشتی نجات برگزیدگان تألیف دکتر علاء السالم اشاره می کنیم:

پس محمد (ص) حجر الاسود را برداشت، و این اشاره ای است به اینکه قائم و حامل گناهان و حامل پرچم های سیاهی که به آن اشاره می دهد، از محمد (ص) خارج خواهد شد و همچنین محمد (ص) همان کسی است که او را در صلیب نگه داشته است؛ زیرا که او در فاطمه دخت محمد (ص) نگه داشته شده است و برای همین حامل گناهان و خطاهای حقیقی رسول الله محمد (ص) است.

و اما رنگ سیاهی که با خواست خدا این سنگ را پوشاند، پس آن اشاره به گناهان بندگان است و آنان را بیاد گناهانشان می اندازد. تا شاید وقتی در خانه خدا هستند، توبه و استغفار کنند، و این همان رنگ سیاه پرچم های قائم آل محمد است. پس پرچم های سیاه اشاره می کنند، به گناه شکست آن پیمان و عهدی که از بشریت در عالم در گرفته شده است. همچنین اشاره می کند به آن رنجی که حامل این گناه تحمل می کند، و حامل پرچم های سیاهی که به آن گناه اشاره می کند؛ آن بنده ای که کتاب آن پیمان بر عهده اش قرار گرفته شد و او قائم آل محمد (ع) است.

بنابراین روز سوم شعبان روز تولد یاوران و حاملان تابوت و هیكل حق، و برافراشتن پرچم حاکمیت الله است. پس امروز تولد یک جسم نیست؛ چراکه اهل آسمان و فرشتگان بر تولد حسین (ع) گریستند و زمین پرتگاه و شروع جهنم است و این برای خود حسین (ع) که از کودکی تا شهادت در این عالم جسمانی لحظه ای آرامش نداشت، شادباشی نداشت. بلکه او حامل پرچم حاکمیت الله و یمن و خیر و برکت برای برافراشتن پرچم قائم (ع) و بخشایش گناه امت موعود است. با تولد حسین (ع)، فطرس نیز میلادی دوباره یافت و هر تولد حسین (ع) میلاد فطرسی دیگر است.

بازگشت فطرس



www.zamanezohor.com

سایت رسمی هفته نامه زمان ظهور:

آدرس روم مستجر انصار امام مهدی (ع) در پالتاک :

Paltalk > Asia and pacific > Iran > lil Ansar Emam Mahdi 10313 lil

صفحه رسمی مکتب شریف نجف اشرف به زبان فارسی

FB/AlnajafALashraf313

سایت رسمی دعوت انصار امام مهدی (ع)

www.almahdyoon.co

